

Challenges of Humanitarian Actions in COVID-19 Pandemics; Study among Student Groups in Yazd

Ahmad Kalate Sadati *

Associate Professor of Sociology, Yazd University,
Yazd, Iran.

Mehdi Zanganeh Shahraki

Master's student of social work, Yazd University, Yazd,
Iran.

Mohadese Abedi Diznab

Master of Demography of Yazd University, Yazd, Iran
and member of the Sociology Department of
Development and Planning of Tabriz University Jihad.

Abstract

In a world with risk levels and emerging crisis, modern governments need humanitarian actions. Humanitarian actions is one of the main mechanisms of the cultural and social context of Iran and the city of Yazd. Student groups, due to their high capacity and motivation, are one of the most important part of participation in humanitarian actions. The purpose of the present study is to discover and explore the obstacles and challenges of student assistance actions in the COVID-19 among student groups in Yazd. This is a qualitative study based on framework analysis, in which 15 participants of groups of active students in the first and second wave of COVID-19 pandemics in Yazd. The findings showed that these groups are facing multifaceted internal and external structural challenges. The five analyzed themes are *the politicization of the executive institutions, lack of social capital of the group, the challenge of the group's administration, institutional neglect and repression, and finally exhaustion*. As a result, it can be said that policy makers should pay more attention to the role and high capacity of student groups in the crisis and take action to improve their knowledge and skills in this field. The most important strategy in this field is de-politicization of humanitarian actions, especially in critical situations. Also, the society needs to promote the public culture in the direction of greater responsibility and the culture of dialogue and tolerance, especially in crisis.




Keywords: Humanitarian Actions, Assistance, Challenges, Student Groups, Yazd, Covid-19 Pandemics

* Corresponding Author: asadati@yazd.ac.ir

How to Cite: Kalate Sadati, A; Zanganeh Shahraki, M; Abedi Diznab, M. (2022). The experience of Humanitarian actions in covid 19; a study in student Humanitarian challenges in the city of YazdWork Hope Determinates in Tehran city, *Journal of Social Development and Welfare Planning*,14(52), 161-199.

تجربه اقدامات یاریگرانه در کووید ۱۹؛ مطالعه‌ای در

چالش‌های یاریگری دانشجویی در شهر یزد

- احمد کلاته ساداتی*  دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه یزد، یزد، ایران.
- مهدی زنگنه شهرکی  دانشجوی کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی دانشگاه یزد، یزد، ایران.
- محدثه عابدی دیزناب  کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه یزد، یزد، ایران و عضو گروه جامعه‌شناسی توسعه و برنامه‌ریزی جهاد دانشگاهی تبریز.

چکیده

در جهان مخاطره‌ای با بحران‌های نوظهور، دولت‌های مدرن، نیازمند حضور و مشارکت یاریگرانه هستند. یاریگری یکی از اجزای اصلی بستری فرهنگی و اجتماعی ایران و شهر یزد است. گروه‌های دانشجویی با توجه به ظرفیت و انگیزه بالا، یکی از مهم‌ترین اجزای مشارکت در اقدامات یاریگرانه هستند. هدف مطالعه حاضر، کشف و واکاوی موانع و چالش‌های اقدامات یاریگرانه دانشجویی در کووید ۱۹ در بین گروه‌های دانشجویی شهر یزد است. پژوهش حاضر یک مطالعه کیفی بر اساس تحلیل چارچوب است که شرکت‌کنندگان در آن ۱۵ نفر از اعضای گروه‌های دانشجویی فعال در موج اول و دوم کرونا در شهر یزد می‌باشد. یافته‌ها نشان داد که این گروه‌ها با چالش‌های چندوجهی درون و برون ساختاری در مواجهه با بحران مواجه‌اند پنج مضمون احصاء شده عبارت‌اند از: سیاست زدگی دستگاه‌های اجرایی، کمبود سرمایه اجتماعی گروه، چالش ستادی گروه، اغماض و سرکوب نهادی، و در نهایت فرسودگی. به‌عنوان نتیجه می‌توان گفت که سیاست‌گذاران بایستی به نقش و ظرفیت بالای گروه‌های دانشجویی در بحران توجه بیشتری داشته باشند و در جهت ارتقای دانش و مهارت آن‌ها در این زمینه اقدام کنند. مهم‌ترین راهبرد در این زمینه حذف سیاست زدگی در چنین اقداماتی بخصوص در شرایط بحران است. همچنین، جامعه نیازمند ارتقای فرهنگ عمومی در جهت مسئولیت‌پذیری بیشتر و فرهنگ گفتگو و مدارا بخصوص در بحران‌ها می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: اقدامات انسان دوستانه، یاریگری، چالش‌ها، گروه‌های دانشجویی، یزد، همه‌گیری کووید-۱۹

* نویسنده مسئول. asadati@yazd.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

در عصر حاضر، منشأ و تکامل اصول موجود اقدامات بشردوستانه ذاتاً به جنبش صلیب سرخ و هلال احمر مرتبط است (Gibbons, 2020: 502). هدف از اقدامات بشردوستانه محافظت از زندگی و سلامتی و اطمینان از احترام به انسان‌هاست (Gibbons, 2020: 504). حوادثی که منجر به تهدید شرایط برای امنیت، سلامتی و رفاه فرد یا جامعه می‌شوند، به‌عنوان بحران انسانی شناخته می‌شوند. چنین رویدادهایی بر توانایی جامعه در کنار آمدن با آسیب‌های فیزیکی، زیست‌محیطی یا اقتصادی که به دلیل این حوادث به وجود می‌آیند تأثیر می‌گذارد (Rasheed, 2019: 318). سازمان‌های مردمی در کاهش نابرابری‌های اجتماعی نقش دارند، به‌عنوان مثال از طریق بشردوستی چنین نقشی انجام می‌دهند (Bapuji, 2020: 3). عوامل اساسی تعیین‌کننده اقدام جمعی عبارت‌اند از: منافع مشترک، ساختار سازمانی، بسیج گروهی و فرصت عمل (Duque Franco, 2020: 2).

بخش اعظم اقدامات انسان‌دوستانه در حوادث طبیعی مثل سیل و زلزله بسیج می‌شود. تجربیات جهانی ثابت کرده است که تدابیر مردمی بهترین راه‌حل برای مشکلات مردمی بوده است. این اقدامات طیف وسیعی دارد، و البته در حوادث طبیعی نیز چنین اقدامات و کمک‌هایی به‌صورت برجسته خود را نشان می‌دهد. نکته این است که اقدامات بشردوستانه باید پشتوانه تلاش‌ها و ظرفیت‌ها برای افراد آسیب‌دیده باشد تا به آن‌ها کمک کند تا در مواقع بحرانی از پس خود برآیند و انعطاف‌پذیری آن‌ها در برابر شوک‌ها و استرس‌های آینده را افزایش دهد (Gibbons, 2020: 500).

یکی از بحران‌هایی که از سال ۲۰۱۹ آغاز شد و همچنان همه کشورهای را تهدید می‌کند، پاندمی کووید-۱۹ می‌باشد که با نفوذ به سایر کشورها، به دغدغه جهانی تبدیل شد (Munster et al, 2020: 4) و نکته نگران‌کننده در مورد این ویروس سریع بودن و قدرت همه‌گیری آن می‌باشد (Zhan et al, 2020: 267). در این پاندمی، سازمان بهداشت جهانی به‌سرعت تجهیزات تشخیصی و راهنماهای نظارت بر بیمار، درمان و اطلاعات به‌روز میزان شیوع کووید-۱۹ در سراسر جهان را در دسترس قرارداد (Munster, 2020:5 and

Zhan, 2020: 267). یکی از تأکیدات همه‌رهبران سیاسی و حاکمیت‌ها و نیز سازمان‌های مرتبط با این پاندمی، استفاده از ظرفیت نیروهای مردمی در مواجهه با بحران بود. کشور ایران با توجه به شرایط تحریمی از یک‌سو و روحیه انسان‌دوستی ایرانیان از سوی دیگر، موضوع کمک‌های انسان‌دوستانه را با شرایطی متفاوت تجربه می‌کرد. ایران به‌طور رسمی در بهمن سال ۹۸ آلوده شدن به ویروس کرونا را گزارش نمود (Kalateh Sadati & Bagheri Lankarani, 2020: 73). با پذیرش مخاطرات گسترده‌ای ویروس و تلاش برای مهار و کنترل آن در اولویت اول و مدیریت آثار و پیامدهای آن در اولویت بعدی، در دستور کار گروه‌های مختلف اعم از متولیان و مسئولان حاکمیتی، گروه‌ها و تشکل‌های تخصصی و غیرتخصصی، گروه‌های خودجوش مردمی قرار گرفت (اسکندریان، ۱۳۹۹: ۶۷).

از همان ابتدا روشن بود که در کنار اقدامات دولتی و حاکمیتی، مواجهه با این بحران نیازمند گروه‌های غیردولتی و سازمان‌های مردم‌نهاد^۱ است. بستر اجتماعی ایران، مشحون از مفهوم و تجربه تاریخی یاریگری است. عموماً، یاریگری در ایران متأخر در قالب سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن) انجام می‌گیرد. احتمالاً از همین جهت است که گزارشی که تا سال ۲۰۰۳ وجود داشت بیش از ۲۰۰۰۰، سمن فعال در ایران موجود بود. اکثریت این سازمان‌ها مؤسسات خیریه بودند (بالوئی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۳). در برنامه‌های توسعه کشور مواد ۹۵، ۹۷، ۱۰۴، ۱۴۰ و ۱۶۳ از قانون برنامه چهارم توسعه نیز بر حضور و مشارکت سمن‌ها در برنامه‌های توسعه تأکید کرده است (محمدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲).

یکی از این گروه‌ها گروه‌های دانشجویی بود که در کنار سازمان‌های مردم‌نهاد زیادی، اقدامات یاورانه و انسان‌دوستانه خود را آغاز کردند. تحقیق حاضر متمرکز بر گروه‌های دانشجویی است که نسل آینده کشور را تشکیل می‌دهد و تجربه آن‌ها در بحران فعلی می‌تواند چراغ راهی در آینده ورود به بحران‌های مشابه خواهد بود. اهمیت گروه‌های دانشجویی از این جهت است که در ابتدای همه‌گیری، این گروه‌ها نقش بسزایی در کمک

تجربه اقدامات یاریگرانه در کووید ۱۹...، کلاته ساداتی و همکاران | ۱۶۵

به سازمان‌های مختلف دولتی و غیردولتی برای کنترل همه‌گیری شدند. مشارکت در اقدامات خیرخواهانه گروه‌های نیازمند، ضدعفونی کردن معابر شهری، همیاری در بیمارستان‌ها و نیز تهیه وسایل پزشکی و... از سوی دیگر، این گروه، نسل جوان نظام اجتماعی در کشور را تشکیل می‌دهد. نهادینه شدن اقدامات خیرخواهانه و انسان دوستانه در میان این نسل، اثرات ماندگار ارزشمندی در اقدامات مشابه در بحران‌های آتی به جا خواهد گذاشت.

در همین ارتباط می‌توان گفت با توجه به نقشی که نسل جوان امروز در سیاست اجتماعی آتی در کشور دارد، تمرکز روی این گروه کمک زیادی به جهت سیاست اجتماعی در آتی کشور خواهد کرد. و در نهایت این که شناسایی نقاط قوت و ضعف این موضوع می‌توانست کمک زیادی به شکل‌گیری چارچوب مفهومی در این زمینه در کشور کند. این موضوع از آن جهت اهمیت دارد، که گروه‌های دانشجویی، طی دهه‌های اخیر کمک شایانی به اقدامات انسان دوستانه در بحران‌هایی مثل سیل، زلزله، اقدامات شهری و ساخت‌وساز در مناطق محروم داشته‌اند. اقداماتی که از منظر پژوهشی چندان مورد توجه نبوده است که البته در همه‌گیری کووید-۱۹ صورت برجسته‌ای به خود گرفت بر این اساس، هدف مطالعه حاضر کشف و واکاوی موانع و چالش‌های تجربه‌شده توسط گروه‌های دانشجویی در همه‌گیری کووید ۱۹ می‌باشد.

چارچوب مفهومی

طرح مفاهیم نظری در تحقیقات کیفی، برای آزمون نظریه یا مفاهیم و قضایای مرتبط نیست، بلکه صرفاً چراغ راهنمایی برای محقق کیفی است که در طی مسیر جمع‌آوری داده و یا مفهوم‌سازی می‌تواند از برساخت‌های نظری موجود در جایی که ناگزیر است بهره بگیرد و یا به‌طور مثال در روش نظریه زمینه‌ای نوعی نمونه‌گیری نظری انجام دهد. به همین جهت است که در این بخش به معرفی نظریات مطرح که البته محدود هم می‌باشد پرداخته می‌شود.

نظریهٔ برون سویگی یا دگریاری (رویکرد اجتماع‌محور)

یکی از طبقه‌بندی‌های بومی در موضوع یاریگری به نظریهٔ فرهادی مربوط می‌شود. وی برای تقسیم‌بندی انواع همکاری ارائه می‌دهد، مدلی که بر مبنای شاخص جهت همکاری، به سه دسته کلی تقسیم می‌شود: درون سویه یا خودیاری: زمانی است که هر کس برای خود، کاری انجام می‌دهد اما در حضور گروه و این ویژگی در گروه بودن، یکنواختی کار را گرفته و انجام آن را لذت‌بخش‌تر از حالت فردی‌اش می‌سازد. میان سویه یا همیاری: زمانی است که کمک فرد به شخص دیگری با هدف جلب کمک او در آینده و یا پاسخی به کمک او در گذشته باشد. این مدل از یاری‌گری را کمک تأخیری نیز می‌نامند. برون سویه یا دگریاری: زمانی است که فرد از کمک به دیگری، انتظار هیچ پاداش یا کمک متقابلی ندارد و نوعی کمک بلاعوض یا بخشش محسوب می‌شود. انگیزه دگریاری غالباً یا کسب منزلت اجتماعی و یا اجر اخروی است (فرهادی، ۱۳۸۸).

می‌توان نظریه فرهادی را از منظر نوع مشارکت، از پایین به بالا تلقی کرد. همان‌طور که رکن‌الدین افتخاری و همکاران بر این نظرند که برای مؤثر و کارا بودن رهیافت‌های مدیریت بلایا، ضرورت دارد اجتماع‌های محلی به‌منظور تجزیه و تحلیل شرایط خطرناک، ظرفیت‌ها و آسیب‌پذیری‌ها را از نظر خودشان موردحمایت قرار دهند از این رو از طریق تلاش می‌شود تا ظرفیت افراد برای واکنش به وقایع غیرمترقبه (از طریق تسهیل دسترسی آن‌ها به منابع و خدمات اجتماعی) افزایش یابد. متخصصان بر این باور هستند که با استفاده از رویکرد اجتماع‌محور برای مدیریت یکپارچه بلایا، این امید وجود دارد که اجتماع‌ها توانمندتر گردند و قادر شوند برنامه‌های توسعه را شامل برنامه‌های کاهش بلایا و آمادگی در برابر بلایا به انجام برسانند (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۸۹: ۹). با این نگاه، رویکرد فرهادی را یک رویکرد پایین به بالا و اجتماع‌محور می‌توان تلقی کرد.

نظریه بازی (یاریگری و میدان باز مبادله)

نظریه بازی را می‌توان در واقع بخش دیگری از نظریه فرهادی تلقی کرد، آنجایی که اقدامات انسان دوستانه، نوعی همیاری تعریف می‌شود. همیاری به اعتبار آنکه هدفی - حداقل ابزاری - خارج از یاری‌دهنده دارد، نظیر «دگریاری» برون سویه است و از آنجا که با یک تأخیر کم و یا زیاد، نتیجه کار بالاخره به خود شخص بازمی‌گردد همانند «خودیاری» درون سویه است. مهم است که نتیجه کنش یاری در همیاری، پس از عبور از صافی دیگری به شخص بازمی‌گردد. این امر سبب می‌شود که در این رفت‌و برگشت، شخص مدتی دیگری را همچون خود نگاه کند و طبیعتاً این حالت در افزایش همبستگی و دیگر دوستی و نوع دوستی می‌تواند تمرینی درخور باشد. این سخن شبیه مطلبی است که روانشناسان اجتماعی درباره کارکرد همدلی می‌گویند (فرهادی، ۱۳۸۸: ۲۸).

بنابراین، طبق نظریه فرهادی، این شکل از یاریگری، ورود به شبکه گسترده و پیدا و پنهانی از مبادلات در بستر اجتماع است که فرد یک اقدام خیر انجام می‌دهد، و می‌داند که روزی نتیجه آن را دریافت خواهد کرد. چنین نگاهی به یاریگری، مصداق نظریه بازی است. تئوری دیگری که از آن به‌طور گسترده‌ای در توضیح رفتارهای اجتماعی بشری (شامل رفتارهای اخلاقی) در متن جوامع استفاده شده است، تئوری بازی‌ها بوده است. پائولیلی^۱ (۲۰۰۹) معتقد است که رفتارهای اخلاقی و خیرخواهانه افراد را می‌توان در قالب بازی‌های همکارانه نامتناهی نگریست که هر بازیکن، انتظار سود در مجموع بازی‌ها را حداکثر می‌سازد. در بازی معمای زندانیان نیز ظهور مفهوم همکاری (به‌عنوان رفتاری اخلاقی) در بین بازیکنان برخلاف سود شخصی متعارف در جریان بازی یک مرحله‌ای را به احتمال تکرار بازی و حداکثر سازی سودها در مجموع بازی‌ها نسبت می‌دهند (جلیل پور و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۶۵-۱۶۶).

1. Paolilli

مشارکت، اعتماد و سرمایه اجتماعی

سومین رویکرد نظری در این مطالعه، نسبت موضوع مشارکت با اعتماد و نهاد سیاست است. معبر این ارتباط، سرمایه و اعتماد اجتماعی است. از آنجایی که در بحران‌ها مسئول رسیدگی به امور شهروندان دولت‌ها و حاکمیت‌ها هستند، و جمع‌آوری مشارکت‌ها از توان شهروندان عادی خارج است، شهروندان ناگزیر از مشارکت از کانال دولت‌ها هستند. گامبتا معتقد است که هر چه اعتماد بیشتر باشد همکاری بین افراد نیز بیشتر خواهد بود. البته بسته به این که شرایط برقراری روابط اعتماد آمیز فراهم باشد (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۵۹-۱۶۰).

پاتنام بر این نظر است که هر چه سطح اعتماد در جامعه مدنی بیشتر باشد احتمال همکاری هم بیشتر می‌شود؛ و همکاری نیز به نوبه خود اعتماد را موجب می‌شود (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۲). مفهوم مشارکت، خصوصاً مشارکت در انجمن‌های داوطلبانه از دیگر مؤلفه‌های اصلی نظریه سرمایه اجتماعی می‌باشد. وجود انجمن‌های داوطلبانه یکی از نشانه‌های اصلی وجود جامعه مدنی است. از طرف دیگر جامعه مدنی بستری برای رشد و گسترش انجمن‌های داوطلبانه است. آن‌ها بخشی از نهادهای مدنی بوده و به توسعه صنعتی، تقسیم کار پیچیده، گسترش زندگی شهرنشینی، طرح مسئله آزادی‌های فردی و تشکیل دولت - ملت‌های جدید وابسته هستند. این انجمن‌ها در گسترش حوزه عمومی و اثرگذاری بر سیاست‌های اقتصادی و دولتی در سطح ملی و منطقه‌ای و در گسترش جامعه مدنی، مشارکت سیاسی و نیز توسعه انسانی نقش دارند (غلام‌زاده و شارع‌پور، ۱۳۸۸: ۲۲۳).

همان‌طور که اشاره شد، تحقیق حاضر در پی آزمون نظریه و مفاهیم و قضایای مرتبط نبوده است. اما، ناظر به نظریه‌های طرح شده می‌توان گفت که نظریه فرهادی که در بستر اجتماعی ایران برساخت شده است، به مفاهیم اجتماعی و فرهنگی جامعه ما نزدیک‌تر است. البته، با توجه به ارتباط روزافزون ساحت‌های مختلف اجتماعی بخصوص ساحت سیاست، رویکرد ارتباط بین مشارکت و سرمایه اجتماعی نیز قابل اعتناء می‌باشد. بر این اساس، اقدامات انسان دوستانه را می‌توان نوعی کنشگری سطح خرد تلقی کرد که در

شبکه‌ای گسترده از اعتماد سیاسی و اجتماعی و در نهایت سرمایه اجتماعی، تولید شده و خود را آزاد می‌کند. لهذا، امروزه ارتباط تنگاتنگ بین اقدامات انسان دوستانه و ساحت سیاست بیش‌ازپیش برجسته شده است. البته، چنین ارتباطی به معنای توجیه یا مشروعیت بخشی نیست، بلکه هر چه هست، یک وضعیت گریزناپذیر است که سیاست در عرصه چنین اقداماتی نیز ورود کرده است. این موضوع از سطح ملی تا بین‌المللی قابل مشاهده است. به‌طور مثال ناظر به موضوع پاندمی کووید-۱۹ سیاست در عرصه بین‌المللی و تحریم‌های غیرمنصفانه فشار زیادی را به کشور ما در مواجهه با همه‌گیری آورد (Kalateh Sadati & Bagheri Lankarani, 2021:73).

با نگاهی به نظریات مذکور درمی‌یابیم که سه رویکرد به موضوع یاریگری وجود دارد. در نخست رویکرد از پایین به بالا که فرهادی مبتنی بر بستر فرهنگی و اجتماعی ایران ارائه کرده است. این رویکرد اگرچه توانسته ابعاد و لایه‌های پنهان از ارزش‌ها و هنجارهای نیکوکاری و یاریگری در جامعه ایران را نشان دهد، اما واقعیت این است که بخصوص در دوران مدرن، موضوع یاریگری، در ارتباط با ساحت سیاست قرار گرفته است، آنچه مطالعه حاضر به آن پرداخته است. در واقع، با پیچیدگی نظام‌های اجتماعی، و قدرت یافتن حکمرانی مدرن، رابطه بین حکمرانی به‌عنوان کنشگری از بالا به پایین و یاریگری به‌عنوان یک کنشگری از سطح پایین، یک موضوع تحقیقاتی و نظری است. نظریه یاریگری به‌عنوان شکلی از مبادله اجتماعی نیز با مسئله اغماض از ابعاد ارزشی و هنجاری یاریگری و نیکوکاری بخصوص ناظر به ساحت متافیزیکی آن مواجه است.

آنچه در این رویکرد، ورود به میدان بازی مبادله تعریف می‌شود، می‌تواند با رویکردهای متافیزیکی بخصوص ناظر به بستر اجتماعی و فرهنگی ایران، مورد نقد واقع گردد. در نهایت این که رویکرد سرمایه و اعتماد اجتماعی است که تکمله رویکردهای از پایین به بالاست. با قدرت گرفتن ساحت سیاست در دنیای مدرن، نسبت به این عرصه و کنشگری نیکوکارانه و خیرخواهانه بسیار بیش از گذشته است. روشن است که هر چه اعتماد و سرمایه اجتماعی بیشتر باشد، احتمال سوق دادن شهروندان به سمت کنشگری

نیکوکارانه بیشتر خواهد بود. تحقیق حاضر تلاش دارد، نسبت بین سطح کنشگری و سطوح بالای امر سیاسی و اجتماعی به‌عنوان یک تعیین‌کننده مهم را مورد واکاوی قرار دهد.

پیشینه

قلی‌پور (۱۳۹۵)، در پژوهش خود با عنوان «بلاایای طبیعی در جمهوری اسلامی ایران و همکاری‌های منطقه‌ای بین‌المللی» انجام داده است که نشان داد همکاری بین‌المللی با اسنادی مانند هیوگو و یوکوهاما باعث شده است تا افراد آسیب‌دیده از بحران و بلاایای طبیعی، حق زندگی پر منزلتی را داشته باشند.

سردار نیا و یوسفی (۱۳۹۵) در پژوهش خود نشان دادند دانشجویانی که میزان سرمایه اجتماعی آنان بالاتر باشد به مراتب بیشتر از دیگران به فرهنگ سیاسی مدنی و دموکراتیک گرایش پیدا می‌کنند و از فرهنگ سیاسی سنتی فاصله می‌گیرند.

مطیعی لنگرودی و همکاران (۱۳۹۱)، پژوهشی با عنوان «بررسی نقش مدیریت مشارکتی در کاهش آثار سیل (مطالعه موردی: روستاهای حوضه رودخانه زنگمار ماکو)» نشان داد که یک نوع همگرایی دیدگاه بین دو گروه مسئولان و مردم روستایی نسبت به میزان، نوع و دوره مشارکت در مدیریت سیلاب در نواحی تحت مخاطره سیل در حوضه رودخانه زنگمار وجود دارد و آن تأکید بر بسترها و زمینه‌های اجتماعی در راستای مدیریت مشارکتی سیلاب، اهمیت و ارزش دوره قبل از وقوع سیلاب در جهت مشارکت و مقابله هرچه بیشتر است.

داوری، مقدم و رضوی مطلق (۱۳۸۹)، مطالعه‌ای توصیفی با عنوان «بررسی رابطه بین روش‌های جلب مشارکت با انجام فعالیت‌های داوطلبانه در بین داوطلبان جمعیت هلال‌احمر استان کهگیلویه و بویر احمد در سال ۱۳۸۹» انجام داده‌اند که نشان داد روش‌های جلب مشارکت تأثیر بالایی در انجام فعالیت‌های داوطلبانه دارد.

رکن‌الدین افتخاری و همکاران (۱۳۸۹)، پژوهشی با عنوان «تحلیل عوامل مؤثر در مدیریت مشارکتی سیل در مناطق روستایی (مطالعه موردی: روستاهای سیل‌زده حوضه

گرگانرود استان گلستان)» نشان دادند که مردم به‌عنوان عاملان اصلی و ذینفع و به‌عنوان قدرت‌های محلی می‌توانند به لحاظ اجتماعی، اقتصادی و اکولوژیکی در کنترل و مهار خطرهای ناشی از سیل بسیار تأثیرگذار باشند.

کلاته ساداتی و همکاران در تحقیق خود روی پرستاران فعال در موج اول کرونا دریافته‌اند که یکی از این دلایل حضور در چنین محیطی، ایثار است. این ایثار نه تنها در بین خود پرستاران بلکه در خانواده آنها نیز وجود داشته است. (Kalathe Sadati et al, 2020).

داگو فرانکو و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهش خود در آمریکای لاتین نشان داد که در آمریکای لاتین، سازمان‌های جامعه مدنی مجموعه‌ای از اقدامات جمعی را ایجاد کرده‌اند و تلاش می‌کنند واکنش‌های فوری و میان‌مدت را نسبت به موارد اضطراری ارائه دهند.

دمورا^۱ و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهش خود با عنوان "یک پیشنهاد چارچوب برای ادغام اقدامات لجستیکی بشردوستانه، مدیریت فاجعه و کمک متقابل در برابر فاجعه: مورد برزیل" نشان دادند که تاکتیک‌های آمادگی و پاسخ تدارکات، با کمک متقابل در برابر فاجعه، می‌توانند نتایج سریع‌تر و مؤثرتری را در مقایسه با روش‌های معمول امنیت از شرکت‌ها و همچنین اطمینان از همکاری متقابل بین شرکت‌ها، تضمین کنند.

هندرسکا و بورسماب^۲ (۲۰۱۹)، پژوهشی با عنوان «بازگرداندن دولت به پاسخ به بحران‌های بشردوستانه: مدیریت بحران و همکاری‌های چالش‌برانگیز در پاسخ به سیل مالایو ۲۰۱۵» نشان دادند که سیاست‌های پاسخ به فاجعه تا حد زیادی مورد غفلت واقع شده‌اند.

نظر و نظر^۳ (۲۰۱۹)، پژوهشی با عنوان «بررسی تجربیات و آمادگی داروسازان بشردوستانه در پاسخ به وضعیت اضطراری» نشان دادند یادگیری مهارت‌ها و دانش خاص در داروسازان برای اقدامات یاورانه را پیشنهاد می‌کند که زمینه سازگاری آن‌ها را افزایش می‌دهد داروسازان هیچ فشار یا آسیب روانی را از تجربیات خود در پاسخ اضطراری گزارش نداده‌اند.

1. deMoura
2. Hendriksa and Boersmab
3. Nazar and Nazar

رودریگوز اسپاندولا^۱ (۲۰۱۷)، پژوهشی با عنوان «آمادگی فاجعه در تدارکات بشردوستانه: یک رویکرد مشترک برای مدیریت منابع در سیل» نشان داد تعداد سازمان‌های دولتی که برای رسیدگی به اوضاع مستقر شده‌اند بیش از حد بوده و منجر به هزینه‌های بالا و بدون دستیابی به بهترین سطح رضایتمندی ممکن شده است.

روش‌شناسی

تحقیق حاضر یک مطالعه کیفی است که در موج اول و دوم کووید ۱۹ در شهر یزد انجام شد. جامعه هدف این پژوهش، دانشجویان و روسای تشکلهای دانشجویی و گروههای فعال دانشجویی دانشگاه یزد، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی و دانشگاه فرهنگیان شهر یزد که در بحران کرونا فعال هستند. البته، روشن است که مدیران و مسئولین اجرایی نیز بایستی در تحقیق حاضر مورد مطالعه قرار می‌گرفتند، اما از آنجایی که ورد مدیران باعث می‌شد میدان مطالعه گسترده شود، مقوله‌بندی این میدان بسیط در یک تحقیق کیفی، غنای کار را کم می‌کرد، ضمن اینکه بخشی از محدودیت تحقیق حاضر نیز همین موضوع است. در انتخاب نمونه‌ها سعی شده است تا حداکثر تنوع برحسب برخی ابعاد و شاخص‌های زمینه‌ای رعایت شود. با معیار اشباع داده‌ها ۱۵ نفر از مسئولین و نیروهای صف دانشجویی فعال در بحران کووید ۱۹ مورد مصاحبه نیمه ساختاریافته قرار گرفتند. رعایت اصل گمنامی مشارکت‌کنندگان در تحقیق، صداقت در مسیر پژوهش و ارائه نتایج از مهم‌ترین مؤلفه‌های پژوهش حاضر می‌باشد که مورد توجه محققان بوده است.

داده‌ها به روش تحلیل چارچوب^۲ مورد تحلیل قرار گرفت. اگرچه روش‌های چندمرحله‌ای مختلفی از این رویکرد ارائه شده است اما در پژوهش حاضر روش ۵ مرحله‌ای تحلیل چارچوب برای تحلیل داده‌ها استفاده شد که مشتمل بر مراحل ذیل می‌باشد (Srivastava and Thomson, 2009: 75).

1. Rodríguez-Espíndola
2. Framework Method

تجربه اقدامات یاریگرانه در کووید ۱۹...، کلاته ساداتی و همکاران | ۱۷۳

۱. آشناسازی: به مرحله‌ای که پژوهشگران با خوانش چندباره‌ای داده‌ها تلاش می‌کنند به چارچوبی کلی از واقعیت دست پیدا کنند.

۲. شناسایی چارچوب موضوعی: این مرحله پس از آشنایی اتفاق می‌افتد که محقق مضامین یا مسائل در حال ظهور را در مجموعه داده‌ها تشخیص دهد. این مضامین یا مسائل نوظهور ممکن است از موضوعات پیشینی ناشی شده باشند، اما در این مرحله است که محقق باید به داده‌ها اجازه دهد تا موضوعات را دیکته کنند. محققان در این مرحله خط به خط داده‌ها را کدگذاری می‌کنند و شکل‌گیری چارچوب مضمونی رخ می‌دهد.

۳. نمایه‌سازی: نمایه‌سازی به این معنی است که فرد بخش‌ها یا بخش‌هایی از داده‌ها را شناسایی می‌کند که با یک موضوع خاص مطابقت دارند. این فرآیند برای تمام داده‌های متنی جمع‌آوری شده اعمال می‌شود. توجه به سؤالات پژوهش و کدهای به‌دست‌آمده، یک چارچوب تحلیلی در رابطه با مسئله پژوهش ارائه می‌گردد.

۴. نمودار (جدول‌بندی): در این مرحله کدها و خرده مقولات هر بخش در جداول گذاشته می‌شود.

۵. نقشه مضمونی و تفسیر: مرحله نهایی، نقشه‌برداری و تفسیر، شامل تجزیه و تحلیل ویژگی‌های کلیدی است. این تحلیل باید بتواند یک نمودار شماتیک از رویداد/پدیده ارائه دهد و در نتیجه محقق را در تفسیر مجموعه داده راهنمایی کند.

منظور از اعتمادپذیری (قابلیت اعتماد یا همسانی)، ثبات و پایایی داده‌ها در طول زمان و شرایط مشابه است، که از طریق تلفیق روش‌ها (مصاحبه، مشاهده و یادداشت در عرصه) و نظارت و بازنگری خارجی صورت می‌گیرد (Creswell, 2017). در این تحقیق، دو محقق، داده‌ها را تحلیل خواهند کرد و میزان اختلاف و موافقت بر مقولات استخراج‌شده و چارچوب احصاء شده مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. همچنین از روش تأیید مشارکت‌کننده نیز استفاده خواهد شد.

نتایج

گروه‌های دانشجویی برای انجام اقدامات خود، نیازمند کمک بخش‌های اجرایی کشور مثل دانشگاه، شهرداری، استانداری، فرمانداری‌ها و حتی مشخصاً نیروهای نظامی هستند که در همه‌گیری کووید-۱۹ به صورت جدی وارد نوعی مشارکت جمعی شدند. این بدان معناست که گروه دانشجویی، به عنوان نیروی انسانی وارد کارزار شد، اما طبیعی بود که خود برای اقداماتی چون ضد عفونی کردن معابر، توزیع ماسک و یا مایحتاج عمومی و حتی مکانی برای ایجاد ستاد هماهنگی و اقدام، نیاز به کمک سایر دستگاه‌ها بود.

نتایج تحقیق نشان داد که این گروه‌ها، زمانی که به مسئولین سازمان‌های مذکور مراجعه می‌کردند، قبل از همه مورد ارزیابی سیاسی قرار می‌گرفتند که متعلق به کدام گروه یا انجمن سیاسی هستند. این جبهه‌گیری در همان ابتدا بخش عظیمی از نیرو و انگیزه دانشجویان را می‌گرفت. آن‌ها به این فهم می‌رسیدند که ساحت سیاست، حتی در این همه‌گیری که نیاز فوری به نیروی انسانی فعال و با انگیزه می‌باشد نیز به شدت فعال و با جبهه‌گیری سیاسی، کمک به گروه‌های مختلف دانشجویی را بر اساس دسته‌بندی‌های سیاسی انجام می‌دهد. نکته مهم‌تر این که در پردازش رسانه‌ای به موضوع نیز نوعی نگاه غیرمنصفانه جناح‌بندی شده به مسئله برجسته می‌شد.

از سوی دیگر، فقدان پشتوانه مالی و سرمایه اجتماعی در گروه‌های دانشجویی باعث می‌شد که فضای عمومی نیز نگاه مثبتی به این گروه‌ها نداشته باشد. خود این گروه‌ها نیز برای اولین بار بود که به این صورت در یک مشارکت انسان دوستانه وارد می‌شدند. درحالی که تجربه گذشته آن‌ها عموماً ناظر به ساحت سیاست و مشارکت در موضوعات سیاسی بود، برای نخستین بار این گروه‌ها بر موضوعی گرد آمدند که فهم مشترک و تا حدود زیادی غیرسیاسی را بر ساخت می‌کرد.

نداشتن تجربه چنین اقدام مشترکی در گروه‌های دانشجویی از صنوف سیاسی مختلف و البته متعارض باعث می‌شد که از یک سو موانع سیاسی و از سوی دیگر نداشتن تجربه تشکیلاتی در مواجهه با بحران‌ها، این گروه‌ها را با چالش جدی مواجه کند. در نهایت

تجربه اقدامات یاریگرانه در کووید ۱۹... ، کلاته ساداتی و همکاران | ۱۷۵

این که همه شرایط مذکور باعث شد، که نوعی خستگی و افسردگی توسط مشارکت‌کنندگان احساس گردد. با بررسی دقیق متن مصاحبه‌های تحقیق، گزاره‌های اصلی و مقولات در فرایندی طولانی، دقیق و جزئی، مفهوم‌پردازی و ارائه شد که حول ۷۰ مفهوم و ۲۰ مقوله فرعی، ۵ مقوله اصلی کدگذاری شد (جدول ۱).

جدول ۱- مفاهیم و مقولات مرتبط با مفاهیم و چالش‌های گروه‌های دانشجویی فعال در کووید ۱۹

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم	
سیاست زدگی دستگاه‌های اجرایی	جناحی عمل کردن	باندبازی	
		عدم همکاری به خاطر گرایش سیاسی	
		واکاوی طیف سیاسی	
	مانع‌تراشی	سیاست زدگی	
		سنگ‌اندازی گروه‌های سیاسی رقیب	
		سنگ‌اندازی مسئولین	
		تخریب	
	رقابت ناسالم	چشم و هم‌چشمی سیاسی	
		فعالیت ناسالم	
		اقدامات غیرمسئولانه	
	بحران نمایش‌وارگی	احتکار برای نمایش	
		اصرار بر دیده شدن	
	کمبود سرمایه اجتماعی گروه	بی‌اعتمادی	عدم باور به توانایی‌های دانشجویان
			عدم اطمینان مسئولین
عدم اعتماد کادر درمان			
بی‌اعتمادی دانشگاه			

		عدم اعتماد به تشکل‌های دانشجویی
		بی‌اعتمادی به فعالیت‌های دانشجویی
		عدم حمایت سازمان‌ها
	عدم حمایت	حمایت مشروط
		محافظه‌کاری سازمانی از جمله دانشگاه
		بی‌اعتمادی مردم
	مسئله مشارکت عمومی	عدم مشارکت مردم
		منفعل بودن اساتید
		عدم برنامه‌ریزی فعالیت‌های تشکل‌ها
چالش‌های ستادی گروه	برنامه‌ریزی ضعیف	عدم برنامه‌ریزی برای مواقع بحرانی
		عدم تخصص اعضا
		مشکلات هماهنگی مسئولیتی
		مبهم بودن محدوده فعالیت دانشجویی برای
	ابهامات گروه‌های دانشجویی	ورود افراد بدون تخصص
		مشخص نبودن حوزه خدمات‌دهی تشکل‌ها
		نقش حیاتی رسانه در مطلع سازی مردم
	ضعف رسانه‌ای گروه	کمرنگ بودن فعالیت رسانه‌ها
		عدم همراهی مسئولین و مانع‌تراشی
	اغماض و سرکوب نهادی	بی‌اعتنایی نهادها
بی‌رغبتی مسئولین به اقدامات دانشجویی		
سرکوب شدن انگیزه از سوی مسئولین		
بروکراسی‌های فرسایشی		
عدم حمایت مسئولین		
اغماض		

	تبعیض	نادیده گرفتن توان دانشجویها
		جلسات در بحران
		تبعیض رسانه‌ای
		تبعیض سازمانی
		سوءاستفاده از بچه‌ها
فرسودگی فرد و گروه	استرس	استرس کاری
		استرس‌های سالم ماندن اعضا
		ترس از مبتلا شدن
	فرسودگی	فرسودگی
		عدم ایجاد انگیزه در دانشجو
		نبودن خلاقیت در ارائه خدمات
	فشار کار	کمبود نیرو در شرایط کرونا
		افزایش حجم کاری اعضای بومی

۱- سیاست زدگی دستگاه‌های اجرایی

گروه دانشجویی برای انجام اقدامات انسان دوستانه نیازمند حمایت از سوی دستگاه‌های اجرایی است، اما در همان قدم نخست فضای سیاست را در این زمینه پررنگ می‌بیند. فعالیت‌های انسان دوستانه و جهادی پیشینه دیرینه‌ای در کشورمان دارد. در موقعیت‌های بحرانی و حیاتی وجود گروه‌های داوطلبانه مردم‌نهاد حضور چشم‌گیری در این موقعیت‌ها داشتند اما همیشه این‌گونه نبوده که به‌طور کامل این افراد خودجوش و صرفاً با نیت خالصانه پای در عرصه عمل بگذارند بلکه در مواقعی برخی از آن‌ها وابسته به فرقه و جناح خاصی هستند و بر همین اساس کمک‌رسانی و فعالیتشان تحت تأثیر عقاید و اهداف همان جناح قرار می‌گیرد.

۱-۱- جناحی عمل کردن

در بحران کرونا، گروه‌های داوطلب با مشکلات سیاسی مواجه شدند و همان‌طور که در بقیه امور دولتی یکسری باندبازی و برنامه‌های سیاسی به جای اصول اداری نقش ایفا می‌کنند در فعالیت‌های داوطلبانه دانشجویی این امر نیز نمود پیدا کرده بود.

"متأسفانه همونطور که الان دولت ما یکسری کارهای اداری و باندهای خاصی دارند در این مسائل هم خیلی دیده شد" (مشارکت‌کننده شماره ۱).

"افرادی که طیف مقابل اون‌ها بودند باهاشون همکاری انجام نمی‌دادند و می‌گفتند ما خودمان یک مجموعه دیگر تولید می‌کنیم و خودمان کار انجام می‌دهیم و این باعث شد اون بدنه دانشجویی که متحد بشه نشد" (مشارکت‌کننده شماره ۳).

بنابراین، سیاست زدگی به یک تعبیر، به معنای نگاه صفر و یک داشتن، نگاهی مبتنی بر تأکید و تکذیب مطلق یا نگاهی معطوف به "یا با ما یا له ما" داشتن است، آن هم از جنس سیاسی‌اش و با تمام ملزومات و دلالت‌های ساختاری و ایدئولوژیک آن در کشور. سیاست زدگی به گونه‌ای با بی‌عدالتی و از جا کنده شدن اشیاء و موضوعات از جایگاه واقعی خود نیز عجین است. از آنجایی که بیش از اندازه به قدرت سیاسی اهمیت می‌دهیم و از قدرت غیرسیاسی و قدرت غیررسمی غفلت می‌کنیم؛ و سعی نشده است که قدرت مدنی را پررنگ‌تر کنیم و قدرت فرهنگی را به عنوان قدرت اصلی به خوبی درک و تحلیل و هم‌چنین جایگاه ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی را آن‌چنان که هست، عرضه نکرده‌ایم، به همین دلیل روزبه‌روز بر شدت سیاست زدگی در تمامی نهادهای جامعه افزوده می‌شود به طوری که دید افراد جامعه نیز تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد.

۱-۲- مانع تراشی

سنگ‌اندازی و مانع‌تراشی فقط اختصاص به گروه‌های رقیب ندارد و افرادی که مسئولیت و منصب خاصی دارند گهگاه پیش می‌آید که همکاری لازم را نمی‌کنند و با بهانه‌تراشی حتی جلوی فعالیت افراد و گروه‌های داوطلب در مواقع بحرانی را می‌گیرند چون به آن‌ها سودی نمی‌رسید.

تجربه اقدامات یاریگرانه در کووید ۱۹... ، کلاته ساداتی و همکاران | ۱۷۹

"از دیگر چالش‌ها و مشکلاتی که برامون پیش اومد یکسری پویش‌های دیگه که اتفاقاً بچه‌های همکار که موازی خودمون بودند به ما یکسری انگ‌های سیاسی زدند و گفتند که شما اومدید که برند بشید و کار ما رو جهت دار معرفی کنید" (مشارکت‌کننده شماره ۱۲).

"بچه‌ها دو شیفت کار می‌کردند ولی باین وجود اون طیف‌های خاص شایعه درست می‌کردند و در مجوز و پروانه ساخت شون سنگ‌اندازی می‌کردند" (مشارکت‌کننده شماره ۱۴).

۱-۳- رقابت ناسالم

در واقع اقداماتی که در بین گروه‌های داوطلب صورت می‌گیرند خالصانه نیستند و بیشتر به‌عنوان رقابت ناسالم و چشم‌وهم‌چشمی کمک‌رسانی انجام می‌شود که باعث شکل‌گیری مشکلات بسیاری از جمله پیش رفتن فعالیت‌ها سر موقع و همین‌طور تخریب شدن گروه است. آقای بصیری مطرح می‌کند:

"یک بحث چشم‌وهم‌چشمی باعث شد بعضی اوقات حرکاتی انجام بشه که اصلاً خوب نبود و تخریب بود" (مشارکت‌کننده شماره ۸).

۱-۴- بحران نمایش‌وارگی

یکی از مشکلات انسان امروزی بحران ندیده شدن هست، او به دنبال راهی برای مطرح کردن خود در جامعه هست. البته در همه مواقع موفق نیست و گهگاه مسیر اشتباهی برای این کار انتخاب می‌کند و بیشتر به خود و اطرافیان ضرر می‌رساند. به نوعی می‌توان گفت افراد سودجو در هر موقعیتی که بتوانند به دنبال نفع رساندن به خودشان هستند. متأسفانه در این شرایط بحرانی کرونا هم کم نبودند افرادی که به دنبال دیده شدن خودشان بودند و گروه‌های داوطلب با بحران نمایش‌وارگی روبرو شدند.

"یک مسئله دیگه هم نهادهای مختلف که در استان بودند هرکدام که کمکی به ما می‌کردند اصرار شون این بود که آرم و نماد ما دیده بشه در برنامه تون و در پوسترها تون و

گهگاه بین نهادهای مختلف که در سطح استان بودند و هر کدوم دوست داشتند که این پویش و مجموعه فعالیت هاش به نام خودشون تموم بشه" (مشارکت‌کننده شماره ۱۳).

۲- کمبود سرمایه اجتماعی گروه

گروه‌های دانشجویی بخصوص در همه‌گیری، بایستی اقدامات خود را عموماً در قالب کمک‌های نقدی و بسته‌های معیشتی و یا توزیع وسایل بهداشتی و ضدعفونی‌کننده دنبال می‌کردند. در این جهت، آن‌های بایستی از پشتوانه‌های لازم برخوردار می‌بودند. با توجه به چهار دهه فعالیت عموماً سیاسی این گروه‌ها، آن‌ها نتوانسته بودند با بدنه نظام اجتماعی ارتباط بگیرند، و این موضوع باعث نداشتن چنین سرمایه اجتماعی شده است.

۲-۱- بی‌اعتمادی

بی‌اعتمادی در حال حاضر به بیماری مزمنی در کشورهای در حال گذار درآمده است و مردم چنین کشورهایی را حیران و سرگردان کرده است. اینکه به‌عنوان بیماری از آن یاد می‌شود به دلیل آن است که روند عادی زندگی را مختل کرده است و به نوعی بحران بی‌اعتمادی تلقی می‌شود. این بحران در کشور ما نیز به دلایل مختلفی بین مردم و نهادها ایجاد شده است و مردم کمتر اعتمادی به هم دارند و همین عاملی شده برای درجا زدن و پیشرفت نکردن. برای پیشبرد کارها درون گروه افراد باید به یکدیگر اعتماد کنند که این روزها کمتر پیش می‌آید مخصوصاً به جوان‌ها و تشکل‌های نوپا اعتماد کنند. چیزی که در مواقع بحرانی بسیار کمک‌کننده است باور داشتن به نیروهای جوان و مردم‌نهاد است، چنانچه به این افراد فرصت داده شود از شدت فشار بر روی عوامل اصلی و خط مقدم و حتی دولت برداشته می‌شود و در کمترین زمان به بهترین نتیجه دست پیدا می‌کنیم. جلب اعتماد مسئولین نیازمند صرف وقت زیادی هست که بهتر است این اتفاق قبل از مواقع بحرانی رخ دهد. نیروهای فعال دانشجویی هرچند تخصصی در امور پزشکی ندارند

اما به خوبی توانستند در بحران کرونا همپای کادر درمان با تمام سختی‌ها و مشکلات فعالیت کنند و به کادر درمان یاری برسانند و جلب اعتماد کنند.

"بدترین مانعی که ما داشتیم این بود که مسئولین باور نداشتند به قشر جوانان و کلاً اعتماد و اعتباری نداشتند به جوانان مثلاً خود مجموعه ما لباس ایزوله تولید کرد ولی هیچ کدوم انقدر باور نداشتند و دیدند که لباس هیچ منافات و مشکلی نسبت به لباس‌هایی که از بیرون می‌خرند نداره و عدم باور مسئولین خیلی ما رو اذیت می‌کنه و همچنان هست" (مشارکت‌کننده شماره ۴).

۲-۲- عدم حمایت

از آنجایی که انسان فردی است اجتماعی نیاز به رابطه اجتماعی دارد. برای ادامه حیات انسان باید با دیگران ارتباط داشته باشد و مورد تأیید دیگران قرار گیرد. یکی از علت‌هایی که ما انسان‌ها به سراغ رابطه اجتماعی می‌رویم، به دست آوردن حمایت اجتماعی است. در صورتی که حمایت به‌طور کامل صورت گیرد انسان زندگی موفق و رضایت‌مندی خواهد داشت. همه ما برای اینکه در جامعه موفق باشیم و بتوانیم به آسانی به فعالیت بپردازیم نیازمند حمایت شدن از سوی تک‌تک افراد در جامعه و مخصوصاً مسئولین هستیم لذا زمانی که گروهی با عدم حمایت مواجه شود پیشرفتی نخواهد داشت و این به ضرر خود جوامع خواهد بود البته امروزه اگر حمایتی هم از سوی سازمان‌ها یا مسئولین صورت می‌گیرد با اهداف و دلایل خاصی است و اگر به سود آن‌ها نباشد این حمایت صورت نمی‌گیرد. گروه‌ها تنها نیاز به حمایت ندارند یعنی تا زمانی که نامه‌نگاری نشود و در چارچوب بروکراسی فعالیتشان رسمیت پیدا نکند به راحتی نمی‌توانند به فعالیت خودشان بپردازند که این روند بسیار وقت‌گیر است و در مواقع حیاتی و حساس جلوی فعالیت گروه‌های داوطلب و جهادی را می‌گیرد و دیوانسالاری چیزی جز صدمه رساندن به برنامه‌های یاری‌رسان تشکل‌ها ندارد.

"یه جورایی اگر این حس شون رو ما ارضا نمی‌کردیم که ما به شما بیشتر نزدیکیم مجموعاً کمک‌هاشون کاهش پیدا می‌کرد (مشارکت‌کننده " شماره ۱۴).

۲-۳- مسئله مشارکت عمومی

در کشور ایران نهادهای دولتی‌ای وجود دارند که در امر خیریه سابقه‌ای طولانی دارند اما همه این سازمان‌ها نتوانسته‌اند مقبولیت خودشان را در بین مردم حفظ کنند لذا، مردم ترجیح می‌دهند در مواقع ضروری خودشان به یاری مستضعفین بپردازند چون توان مالی زیادی در مردم نمانده است. در بحران حال حاضر گروه‌های داوطلب دانشجویی نیازمند همراهی مردم هستند تا بتوانند بدون مشکلات مالی فعالیت خود را پیش ببرند اما از آنجایی که مردم نسبت به نهادهای خیریه بی‌اعتماد شده‌اند زمان بسیاری برای شفاف‌سازی و آگاه‌سازی آنان لازم است اما به محض مطلع شدن که این گروه‌ها مستقل هستند خیلی راحت کمک می‌کردند. نکته این است که این مسئله مشارکت، به اساتید دانشگاه نیز رخنه کرده است.

"مردم ما ظاهراً نسبت به بعضی از نهادهای رسمی دولتی و حکومتی کمی بدبین و بی‌اعتمادتر شدند مثلاً به ما کمک مالی می‌شد ولی طرف راضی نبود این پول رو به کمیته امداد بده و مردم اعتمادشون به مجموعه‌های غیررسمی بیشتر میشه" (مشارکت‌کننده شماره ۴).

۳- چالش ستادی گروه

یکی از مهم‌ترین مشکلات درونی گروه‌های دانشجویی، چالش تشکیلاتی در مواجهه با بحران بود. در حالی که این گروه‌ها ید طولایی در اقدامات سیاسی در ۴ دهه اخیر داشتند، اما در مواجهه با بحران و اقدامات انسان دوستانه با مشکلات و چالش‌های جدی در برنامه‌ریزی و اجرا مواجه بودند. آن‌ها در این زمینه فاقد برنامه، گاهی فاقد هدف، و خط‌مشی مشخص در مواجهه با بحران بودند. اکثر گروه‌های به‌جز گروه‌های جهادی، سابقه ورود به چنین بحرانی را نداشتند. این موضوع در مورد گروه‌های دانشجویی غیرسیاسی نیز صدق می‌کرد.

۳-۱- برنامه‌ریزی ضعیف

پیشرفت و موفقیت در هر برهه‌ای از زمان نیازمند برنامه‌ریزی و پیش‌بینی رخدادها هست. خاصیت مواقع بحرانی اصولاً با سرعت بیشتر عمل کردن است لذا جوامع باید از قبل برنامه‌ریزی داشته باشند ولی کشور ما برای مواقع بحرانی طراحی نشده است یعنی برای مواقع بحرانی هیچ طرح خاصی اتخاذ نشده است که در رخداد بلایا با مشکلات بسیاری از جمله نداشتن برنامه منظم و منسجم مواجه می‌شویم که گروه‌ها و سازمان‌ها نمی‌توانند به درستی فعالیت‌های امدادی خود را انجام دهند. چالش‌ها همیشه مربوط به بیرون گروه، سازمان‌ها یا مسئولین نیستند، مواقعی هم عدم موفقیت گروهی به دلیل مشکلات درون گروهی هست که از شدت و ضعف برخوردارند. در گروه‌های مردم‌نهاد افراد با تخصص‌های متفاوتی عضو می‌شوند که اصولاً تجربه و آشنایی از نحوه یاری‌رسانی به سایر افراد ندارند و کسب تجربه زمان‌بر است و هماهنگ کردن کل اعضا و آموزش آن‌ها و همچنین تقسیم وظایف کار بسیار دشواری است که به‌عنوان چالش‌های درون مشکلات می‌توان نام برد.

"در کنار هم باید کار می‌کردیم و این بار یاد گرفتیم که یک بحران ملی و جهانی هست خب حالا اینکه این رو درک کنیم سخت بود و چون کار پیش بره نیاز به معاون و رئیس و شورای مرکزی داشت و این تقسیم مسئولیت‌ها گاهی دچار چالش می‌شدیم" (مشارکت‌کننده شماره ۷).

۳-۲- ابهامات گروه‌های دانشجویی

همان‌گونه که مطرح شد کشور ایران برای مواقع بحرانی آمادگی ندارد و سیاست‌های لازم در این جهت اتخاذ نشده است و پیش‌نویسی در این زمینه موجود نیست تا ارگان‌ها و گروه‌های داوطلب مطلع باشند که باید چه اقدامی از سوی آنان انجام گیرد لذا این افراد فعالیت‌های خیرخواهانه‌ای که انجام می‌دهند در هاله‌ای از ابهام است و شفاف نبودن مسئولیت و حوزه کاری آنان در بحران کرونا باعث می‌شود مسئولان به‌سختی با فعالیت آنان کنار بیایند.

"برای همین اینکه کجا قراره کار بکنیم و چرا قراره کار کنیم مخالفت میشه یعنی مرزهای تشکل‌های شما برای کار و اقدام در جامعه مبهم هست البته برای خود مجموعه مبهم نیست و برای مسئولین مبهم هست که چرا دارید کار رو انجام می‌دهید" (مشارکت‌کننده شماره ۶).

۳-۳- ضعف رسانه‌ای گروه

در بحث بی‌اعتمادی به گروه‌ها آن چیزی که باعث تقویت فعالیت و حضور آنان در جامعه می‌شود اطلاع‌رسانی از فعالیت و اهداف آن تشکل‌هاست. با توجه به گذار جوامع و دستیابی بهتر به رسانه‌ها گروه‌های داوطلب به راحتی می‌توانند از طریق شبکه‌های مجازی به فعالیت خود توسعه ببخشند و به جلب اعتماد مردم و مسئولین پردازند لذا باید اذعان کرد رسانه‌ها نقش بسیار حیاتی در ترویج فعالیت‌های داوطلبانه و مردم‌نهاد دارند.

"البته اوایل هم بحث بی‌اعتمادی مردم هم به مسئولین بود و کار رسانه اگر قوی باشه کم‌کم این اعتماد بیشتر میشه و بعضاً مجموعه‌هایی بودند که یه سری مواد تولید کردند ولی چون کار رسانه‌ای خوبی نداشتند باعث شد تا خوب انجام‌نگیره کارشون" (مشارکت‌کننده شماره ۹).

۴- اغماض و سرکوب نهادی

گروه‌های دانشجویی، نه تنها از سوی دستگاه‌های اجرایی با نوعی سیاست زدگی طبقه‌بندی می‌شدند، بلکه در لایه‌ای عمیق‌تر با بحران اعتماد از سوی این دستگاه‌ها مواجه بودند. این موضوع دیگر به سیاست مربوط نبود، بلکه اساساً یک گفتمان عمومی در سطح سازمان‌های دولتی بوده، که به اهمیت و نقش این گروه‌ها توجهی ندارند و مع‌الأسف که در مواردی گروه‌های دانشجویی را رقیب فعالیت‌های خود قلمداد می‌کردند. نتیجه چنین نگاهی طرد گروه‌های از سوی سازمان‌ها به‌انحاء مختلف بوده است.

۴-۱- بی‌اعتنایی نهادها

عدم همراهی و عدم تأیید مسئولین، جوانان و نیروهای داوطلب را از فعالیت پرشور و شوق‌بازمی‌دارد چرا که این گروه‌ها نیاز به دیده شدن و همراهی مسئولین دارند تا بتوانند به راحتی به فعالیت خود بپردازند. در مواقع بحرانی گروه‌های داوطلب بیشتر به دنبال آرامش دادن و روحیه دهی به افراد آسیب‌دیده هستند اما اصولاً سازمان‌ها و مدیران به دنبال پیروی از قوانین هستند و حاضر نیستند تا فرصتی در اختیار این جوانان قرار دهند تا فعالیت کنند. در کل مسئولین حاضر به همکاری با گروه‌های دانشجویی نبودند و تمایلی برای شنیدن طرح‌ها و اهداف آنان نداشتند چرا که زمان لازم برای آشنایی با فعالیت چنین گروه‌هایی نداشتند و در فرصت کوتاه قانع کردن این افراد امری وقت‌گیر و دشوار است لذا دانشجویان فعال و داوطلب انگیزه و اشتیاق خود را در نتیجه عدم همراهی مسئولین و در نهایت سرکوب شدن از دست می‌دادند.

"سرکوب‌هایی که ما از محیط می‌گیریم هم ربط داره به این رغبت و یا مثلاً عدم استقبال از طرح و پلن ما باعث میشه که دل‌سرد و بی رغبت بشوند بچه‌ها" (مشارکت‌کننده شماره ۱۵).

۴-۲- اغماض

نادیده گرفتن و چشم‌پوشی از توانایی عده‌ای که با اشتیاق و خلوص نیت هدفی جز یاری‌رساندن به افراد نیازمند ندارند به ضرر خود جامعه است. کشور ایران توان مقابله با بحران را ندارد و سوء مدیریت باعث بدتر شدن وضعیت بحرانی شده است. مسئولین نگران از دست دادن موقعیت و جایگاه خود هستند و تصور می‌کنند اگر گروهی نوپا و جوان که توانمند هستند وارد عرصه میدان شوند آنان دیگر نمی‌توانند به فعالیت خود ادامه دهند در حالی که این گروه‌ها فقط برای کمک‌رسانی به افراد نیازمند در شرایط بحران‌زده دور هم جمع شده‌اند تا اموری که سازمان‌ها نتوانسته‌اند به خوبی مدیریت کنند را بهبود بخشند.

"ما در بیمارستان و نه در سم‌پاشی‌ها برنامه‌ای داشتیم و در واقع در کار تعلیم و تربیت

بچه‌های حاشیه شهر بودیم که دسترسی به فضای مجازی نداشت و این رو خیلی نمی‌بینند که برای چی افرادی که اسم خود را گذاشته‌اند فعالیت دانشجویی و کارهای تشکیلاتی می‌کنند بیایند و بعنوان کاری که من وظیفه‌ام هست اونها بیان و انجام بدهند" (مشارکت‌کننده شماره ۹).

۴-۳- تبعیض

اصولاً در موقعیت‌های حساس و حیاتی برای دستیابی به موقعیت پایدار و مناسب نباید بین سازمان‌ها و گروه‌ها به دنبال برتری دادن به گروهی خاص یا فردی خاص بود که اگر این اتفاق رخ دهد نتیجه عکسی رقم می‌خورد. در جامعه ما به درست یا غلط سازمان‌ها با ارگان‌های خاصی فعالیت می‌کنند و نگاه خاصی به حزب‌ها دارند و بقیه گروه‌ها و ارگان‌ها دارای اهمیت خاصی نزد آنان نیست چرا که سودی برای خودشان ندارند. باید گفت سازمان‌ها بیشتر به دنبال مطرح کردن برند و نام خودشان هستند یعنی زمانی که متوجه بشوند فعالیتشان رسانه‌ای نشده است یا دست از ادامه کار می‌کشند یا به هر نحو ممکن آن را رسانه‌ای می‌کنند که البته باید اذعان کرد تبعیض در این قسمت هم نمود یافته است به طوری که رسانه‌ها با سازمان خاصی در ارتباط هستند. علاوه بر نگاه‌های گزینشی و تبعیض‌آمیز برخی از افراد به خود اجازه می‌دهند تا درخواست‌هایی داشته باشند که مغایر با اهداف گروه‌های داوطلب هستند که حتی در مواقعی به دور از شأن داوطلبین هست. این نوع نگاه‌ها بیشتر جنبه سوءاستفاده از این افراد در مواقع بحرانی را دارد که جوانان را سرخورده و ناراحت می‌کند.

"از دیگر تجربه‌ها این بود که مثلاً استانداری بچه‌های اصلاح‌طلب رو بیشتر تحویل میگیره و یا سپاه بچه‌های حزب الهی رو تحویل میگیره و نگاه‌ها این بود" (مشارکت‌کننده شماره ۱۰).

۵- فرسودگی فرد و گروه

دانشجو و گروه دانشجویی فعال در همه‌گیری کووید-۱۹ سرانجام خسته و فرسوده می‌شود. البته بخشی از این فرسودگی به دلیل طولانی شدن بحران بود و بخش دیگر آن به

دلایل اجتماعی مذکور که در بالا اشاره شد. او کم کم از میدان بیرون می‌رود و ورود مجدد به میدان بستگی به اوضاع و شرایط و نیز انگیزه‌هایش دارد. بنابراین، برخلاف اینکه چنین اقداماتی بایستی به ارتقاء توان، دانش و مهارت دانشجو بیفزاید، استرس، فرسودگی و فشار کاری را برای او به همراه دارد.

۵-۱- استرس

بحران کرونا به‌عنوان یک بیماری ناشناس بار روانی بسیاری به همراه داشته است که در بین مردم و مسئولین این فشار روانی شدت متفاوتی دارد. فردی که مسئولیت بقیه را دارد بالطبع فشار روانی بیشتری را متحمل می‌شود. انجام به‌موقع وظایف در موقعیت بحرانی یک سر قضیه هست و ترس از مبتلا نشدن در حین انجام مأموریت بحث دیگری است که استرس مضاعفی به نیروهای داوطلب دانشجویی وارد می‌شود.

"چالش دیگه هراس از مرگ و واگیری در بین نیروها هم یک چالش بود و بیشتر از خود کرونا ما با اون درگیر بودیم و بشدت افراد رو دچار اضطراب شدید میکنه و مدام نگران و هراس دارند" (مشارکت‌کننده شماره ۱).

۵-۲- فرسودگی

فشار روانی بحران کرونا و عدم همکاری مسئولین و سازمان‌ها که در بیشتر اوقات با سرکوب و مانع‌تراشی باعث پیش نرفتن برنامه‌های گروه‌های دانشجویی داوطلب می‌شود در نهایت نتیجه ناخوشایند روانی بر اعضای گروه دارد و آنان را دلسرد می‌کند که این بار روانی مانند سمباده‌ای بر روح پرشور و شوق آنان کشیده می‌شود و بعد از مدتی نسبت به فعالیت‌های خویش احساس فرسوده بودن پیدا می‌کنند.

"از یه جایی به بعد پیگیری‌ها نبود و ما شروع می‌کنیم پرانرژی فعالیت کردن و بعد از یک تایم رغبت بچه‌ها کمتر میشه که دلیل اون هم عوامل درونی هست و هم محیط" (مشارکت‌کننده شماره ۷).

۵-۳- فشار کاری

در امور یاری‌گرانه هرچه تعداد افراد بیشتر باشد فشار کاری کمتر حس خواهد شد. گروه داوطلبانه دانشجویی یزد در ابتدای کار از بابت نیروی مشکلی نداشتند چون اعضا یزد حضور داشتند ولی به محض آغاز قرنطینه و برگشتن اعضای خوابگاهی به منزلشان گروه با کمبود نیرو مواجه گشته است که فعالین بومی یزد فشار بیشتری متحمل شده‌اند و حجم کاریشان چند برابر شده است.

"شرایطی بود بچه‌هایی که در یزد بودند خیلی بهشون فشار وارد شد و این فشار باعث می‌شد که فرد از خیلی از کارهای روزمره‌اش بگذرد و بیاد و مشکل مون این بود که بچه‌های شهرستانی و خوابگاهی نبودند و نمیتونستند کمک کنند" (مشارکت‌کننده شماره ۸).

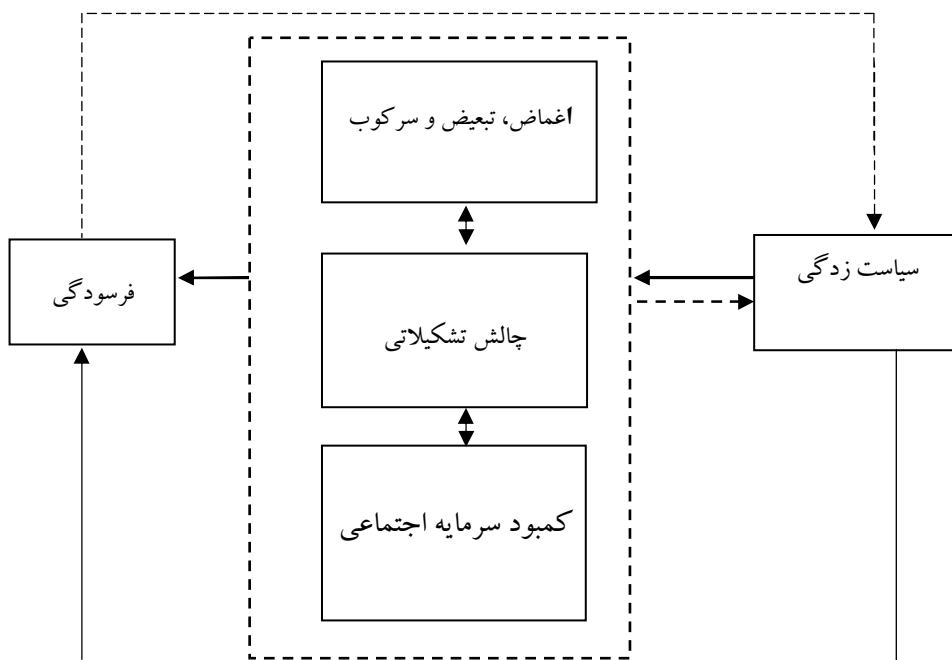
طرح‌واره مفهومی

گروه دانشجویی با انگیزه بالا در بحران کووید-۱۹ ورود کرد. با وجود گروه‌های غیرسیاسی که در این تحقیق نیز از آن‌ها بهره گرفته شد، اما عموم گروه‌های دانشجویی که سرمایه انسانی بالایی دارند را گروه‌های سیاسی و اصطلاحاً تشکلهای تشکیل می‌دهند. گروه‌های دانشجویی اعم از شکل تشکلی و غیره، به محض ورود به میدان اقدامات انسان دوستانه، با مشکلات و چالش‌های زیادی مواجه می‌شود. اولین و مهم‌ترین آن چالش سیاسی است. مبتنی بر سنت ماضی، نگاه دستگاه‌های اجرایی به گروه‌های دانشجویی در بحران نیز مبتنی بر برچسب سیاسی آن‌هاست.

این موضوع یک چالش هستی‌شناسی برای گروه دانشجویی به وجود می‌آورد که مگر در بحران هم می‌توان نگاه سیاسی در پیش گرفت. با وجود این گروه، همان‌طور که کار را به سختی پیش می‌برد می‌بیند که یکی از بزرگ‌ترین مشکلات خودش طی چند دهه اخیر این بوده که عموماً به موضوع سیاست پرداخته و در اقدامات انسان‌دوستی به جز نیروی انسانی بدون مهارت و البته با انگیزه بالا، چیزی در دست ندارد. این موضوع نیز احتمالاً مربوط به ساحت سیاست زده گروه مربوط می‌شود که همه‌چیز را به کنشگری سیاست

خلاصه کرده و به سمت نهادسازی برای کمک و اقدامات انسان دوستانه و افزایش مهارت در این زمینه پیش نرفته است. در فضای عمومی، نیز نگاه به گروه‌های دانشجویی، همراه با استقبال عمومی نبوده است، به جز استثنائات.

کاهش اعتماد عمومی، و ناتوانی گروه از حل مسائل و مهم‌تر از همه بی‌اعتنایی و سرکوب از سوی دستگاه‌های اجرایی (به دور از اغراض سیاسی) نیز دیگر مسئله گروه دانشجویی است. تمام این شرایط فرد دانشجو و گروهش را به سمت نوعی فرسودگی سوق می‌دهد. در این مرحله گروه با بحران نیروی انسانی نیز مواجه می‌شود. افراد خسته می‌شوند و مشارکت در اقدامات انسان دوستانه جنبه سلیقه‌ای و اوقات فراغتی به خود می‌گیرد (شکل ۱).



شکل ۱- چالش‌های گروه‌های دانشجویی در اقدامات انسان دوستانه

همان‌طور که شکل شماره ۱ نشان می‌دهد، در رابطه با کمک‌های انسان دوستانه دانشجویی، ما با میدان واگرایی مواجه هستیم که سیاست زدگی عامل تعیین‌کننده در این میدان است. سیاست زدگی در بحران کرونا باعث می‌شود که دانشجویان نتوانند حمایت‌های سازمان‌های دولتی را چنانکه باید جلب کنند و چه‌بسا که با رفتارهای ناخوشایند از سوی نهادهای دولتی مواجه می‌شوند. سیاست و نهادهای دولتی در مجموع اعتمادی به گروه‌های دانشجویی ندارند و یا آنها را به‌عنوان رقیب خود در میدان تلقی می‌کنند. در هر صورت، اگر هم بپذیرند، پذیرش بر اساس گزینش‌های سیاسی است. این امر باعث می‌شود که نگاه و رفتار نهادهای دولتی با گروه‌های دانشجویی بر اساس نوعی اغماض، تبعیض و سرکوب انجام گیرد. معمولاً در این میدان واگرا، دانشجویانی که از گروه‌های سیاسی پر قدرت باشند، بهتر معرفی شده و دستاوردهایشان در میدان نمایش و بحران نمایش‌وارگی بهتر نشان داده می‌شوند.

بحران نمایش‌وارگی به این معناست که به‌جز استثنائات، همه دست‌اندرکاران بحران اعم از گروه‌های دانشجویی و گروه‌های غیر دانشجویی، عموماً در پی نشان دادن دستاوردهای خود در بحران هستند. این امر در واقع یک رقابت ناسالم را بین گروه‌های دانشجویی و رابطه گروه‌ها با سازمان‌های دولتی پشتیبان به وجود می‌آورد. در میدان واگرا، کمکی به دانشجویان نمی‌شود که بتوانند کار تشکیلاتی علمی و مبتنی بر رویه‌های درست در بحران داشته باشند.

بخشی از چالش نداشتن مهارت در ورود به بحران‌ها در گروه‌های دانشجویی نیز به همین فضای سیاست زده مربوط است. اساساً گروه‌های دانشجویی کمتر آموزش و مهارت در ورود به اقدامات انسان دوستانه را فرا گرفته‌اند. البته در یک دهه اخیر موضوع تغییر کرده است و گروه‌هایی که به‌صرف اقدامات انسان دوستانه گروه تشکیل می‌دهند نیز بسیار زیاد شده‌اند. اما واقعیت این است که جایگاه و نفوذ گروه‌های و به‌اصطلاح تشکل‌های بزرگ دانشجویی که عمدتاً فعالیت سیاسی می‌کنند قابل‌مقایسه با گروه‌های کوچک که اقدامات غیرسیاسی می‌کنند نیست. به همین جهت است که از منظر تحقیق

حاضر، ساحت سیاست به شدت گروه‌های دانشجویی را تحت سلطه خود ناظر به موضوع بحران و اقدامات انسان دوستانه قرار داده است. از سوی دیگر، دستگاه‌های اجرایی در کنار نگاه سیاست زده، نگاه همراه با اغماض و بی‌اعتنایی به این گروه‌ها دارند، گو اینکه این گروه‌ها رقیب آن‌ها در این مواجهه‌ها هستند و این البته نیازمند تحقیقات عمیق‌تر می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

یاریگری بخش هویتی و جدایی‌ناپذیر از بستر اجتماعی و فرهنگی ایران است (فرهادی، ۱۳۸۸). دولت‌های مدرن بی‌نیاز از یاریگری‌ها در مواجهه با بحران‌ها نیستند. این موضوع به‌طور خاص در مورد آموزش در کووید ۱۹، مورد تأکید محققان قرار گرفته است که یاریگری در بحران‌های مثل کووید ۱۹ در سطوح محلی، منطقه‌ای و جهانی یکی از ضرورت‌هاست. هدف تحقیق حاضر واکاوی اقدامات انسان دوستانه در بحران کرونا در شهر یزد بود. نتیجه تحقیق نشان داد که به لحاظ بستری فرهنگی و اجتماعی خاص در شهر یزد، گروه‌های دانشجویی و در سطحی کلی‌تر دانشگاه یزد، مشارکت فعالی در بحران داشته است.

سؤال پژوهش حاضر راجع به چالش‌های تجربه‌شده توسط مشارکت‌کنندگان در اقدامات انسان دوستانه در بحران کرونا در شهر یزد بود. پاسخ به این سؤال دربرگیرنده چهار مضمون سیاست زدگی، چالش تشکیلاتی، کمبود سرمایه اجتماعی، اغماض، تبعیض و سرکوب، و فرسودگی هست. نتایج این بخش از تحقیق گویای وضعیت متناقض و پارادوکسیکال گروه‌های دانشجویی در اقدامات انسان دوستانه در شهر یزد است. این گروه‌ها ظرفیت و پتانسیل بسیار بزرگی را برای کمک و مساعدت به دولت در بحران‌ها دارند، اما به نظر می‌رسد چنین نیرویی به رسمیت پذیرفته نشده است.

از سوی دیگر، گروه‌های دانشجویی تجربه نوعی اغماض ناشی از سیاست زدگی در بحران را تجربه کرده‌اند. این امر باعث فرسودگی آن‌ها در بحران شده است. وضعیت متناقض از دو جهت است. اول آنکه درحالی‌که نهادهای دولتی در بحران، به شدت به

گروه‌های دانشجویی به‌عنوان نیروهای جوان فعال می‌توانند تکیه کنند و نیازمند هستند، با نوعی سیاست زدگی و یا بی‌اعتمادی به این گروه‌ها نگاه می‌کنند. دومین مسئله این است که گروه‌های دانشجویی نیز به کمک حاکمیت نیازمندند. آنها هیچ تجربه‌ای از بحران و تشکل در دوران بحران نداشته‌اند. طبیعی است که حاکمیت بایستی چراغ راه آنها در این شرایط باشد. باوجود این، حکمرانی نه‌تنها چراغ راه آنها نیست، بلکه شیوه دادوستد حکمرانی با گروه‌های دانشجویی به‌گونه‌ای است که آنها احساس می‌کنند، سرمایه اجتماعی ندارند. نتیجه چنین وضعیتی در واقع فرسودگی گروه‌های دانشجویی است. این نتایج همسو با یافته‌های مطالعه رکن‌الدین افتخاری و همکاران (۱۳۸۹) است که نشان دادند، توجه بیشتر و نگاه کل‌گرایانه در مدیریت بحران و نیز مدیریت برنامه ریزان در بحران‌ها را می‌طلبد.

همچنین این بخش از نتایج به یافته‌های مطالعه داگو فرانکو و همکاران (۲۰۲۰) در آمریکای لاتین تأیید می‌شود که نشان داد دولت‌ها به نقش گروه‌های غیررسمی و سمن‌ها در آنجا بی‌توجه هستند. چنین بی‌توجهی توسط مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر نیز تجربه شده است. همچنین نیز همسو با یافته‌های تحقیقات دمورا و همکاران (۲۰۲۰) و نیز هندرسکا و بورس‌ماب (۲۰۱۹) در مورد توجه دولت به اقدامات لجستیکی بومی در موارد بحران می‌باشد. آنچه در این تحقیقات مورد تأکید بوده این است که توجه بیشتری به نقش سمن‌ها و رویکردهای بومی در بحران شود. یکی از ایده‌های برجسته‌ای که در حال حاضر تحریک اصلاح سیستم بشردوستانه جهانی است، بحث "بومی‌سازی" می‌باشد؛ که فعالیت‌های اصلی آنها به‌جای ملی و بین‌المللی در مناطق محلی اتفاق می‌افتد (Elkahlout & Elgibali, 2020: 235).

جنبش جهانی خواستار واکنش‌های بشردوستانه محلی است (همان: ۲۳۷). علاوه بر فقدان حمایت بشردوستانه یا حمایت بی‌اثر، جوامع همچنان با بحران‌های متعددی روبرو هستند. آسیب‌پذیری‌های اقتصادی اجتماعی؛ دسترسی محدود به خدمات اساسی مانند آب، بهداشت و آموزش محدود؛ و فضای انسانی که بازیگران بین‌المللی بشردوستانه

تجربه اقدامات یاریگرانه در کووید ۱۹...، کلاته ساداتی و همکاران | ۱۹۳

می‌توانند در آن فعالیت کنند (Elkahlout & Elgibali, 2020: 235). حمایت مستقیم از سازمان‌های محلی می‌تواند به ایجاد ظرفیت کارکنان محلی کمک کند و متعاقباً آن‌ها را در تصمیم‌گیری مشارکت دهند (Elkahlout & Elgibali, 2020: 243).

یافته‌های جدید مطالعه حاضر تجربه اغماض، سرکوب، تبعیض، و فرسودگی است که در سایر مطالعات دیده نشده است. به هر جهت، بی‌توجهی حکمرانی و برنامه‌ریزان در بحران به ظرفیت سمن‌ها بخصوص گروه‌های دانشجویی در بحران، باعث ایجاد نوعی ناامیدی و فرسودگی آنها می‌شود. انگیزه‌های بازیگران بشردوستانه هرچه باشد، اقدامات آن‌ها در شرایط امروز پیامدهای سیاسی قابل توجهی دارد؛ اما بسیاری معتقدند که ارزیابی از اقدامات بشردوستانه نه تنها باید بر انگیزه بلکه باید بر پیامدهای ناخواسته نیز متمرکز شود (Macalister-Smith, 1986: 539).

تحقیق حاضر نشان داد که همیاری به‌عنوان شکل خاصی از یاریگری در میان کنشگران فعال در اقدامات انسان دوستانه دانشجویی در شهر یزد، برجسته است که دلایل مشارکت می‌تواند فردی (دینی، سیاسی، نوع‌دوستانه، رضایت درون) یا اجتماعی (مسئولیت‌پذیری) باشد. چنین انگیزه‌ای وقتی وارد کارزار بحران می‌شود، با امر سیاسی مورد مواجهه قرار می‌گیرد. نتیجه مطالعه نشان داد که این گروه‌ها با مسائل ساختاری در موضوع بحران مواجه هستند که بخشی درونی و بخش دیگر مربوط به خارج از ساختار گروه‌هاست. مهم‌ترین مشکل درون ساختاری، فقدان دانش، مهارت و نظام تقسیم کار معین در موضوع بحران است که بخشی از آن مربوط به تمرکز و توجه تاریخی گروه‌های دانشجویی به موضوع سیاست بوده است، بخصوص ناظر به گروه‌های بزرگ تشکیلاتی دانشجویی.

در موضوع برون ساختاری، سیاست زدگی نهادها در مواجهه با اقدامات یاریگری دانشجویی و کمبود سرمایه اجتماعی در موضوع یاریگری و بحران از دیگر مسائل این گروه‌هاست. پارادوکس‌ها از اینجا آغاز می‌شود که امر سیاسی ضمن نیاز به یاریگری شهروندان، دربرگیرنده مؤلفه‌هایی است که در مورد مشارکت‌کنندگان تحقیق حاضر،

به‌عنوان مانع و چالش عمل می‌کند. تحقیق حاضر نشان می‌دهد که ناخودآگاه یاریگری از نوع همیاری ایرانی، زمانی که به سیاست مدرن برخورد می‌کند، سازوکار مواجهه مناسب از سوی طرفین به‌خوبی انجام نمی‌شود و با موانع جدی مواجه است. اگرچه رهبری در سطح کلان سیاسی تشویق به یاریگری کرد، اما در سطوح میانه و طیف نهادی متوسط نظام سیاسی، چالش‌ها و موانع، جدی است.

گروه‌های دانشجویی نه‌تنها نبایستی از سوی بروکراسی و نهادهای حکمرانی مورد اغماض قرار گیرند، بلکه بایستی توجه به نقش گروه‌های دانشجویی جدی گرفته شود و به آن‌ها به‌عنوان ظرفیتی عظیم که می‌توان بخشی از مشکلات کشور در شرایط بحرانی و در جهان مخاطره‌ای را حل کند، نگاه شود و موردحمایت جدی قرار گیرند و مشکلات آنها بخصوص در بحث تشکیلاتی در بحران مرتفع گردد. چنین امری متضمن نگاهی متفاوت به یاریگری در بحران‌ها، توسط نظام حکمرانی است. سیاست‌گذاران نظام اجتماعی، ضرورت جدی در طراحی یک مدل بومی در استفاده از اقدامات یاریگرانه در بحران‌ها دارند که مطالعات پژوهشی آینده می‌تواند راجع به ابعاد چنین مدلی انجام گیرد. اگرچه پژوهش حاضر بخشی از این مدل را بازگشایی کرده است.

اگرچه سپهر سیاسی، فضای اقدامات یاریگری در بحران کووید را تحت تأثیر قرار داده است، اما در نهایت محقق بر این نظر است که اگرچه مشارکت دانشجویان در بحران کرونا نقش امر سیاسی را در شکل‌گیری نوعی واگرایی در یاریگری برجسته ساخت، اما به‌صورت دیالکتیکی فضای جدیدی از گفتگو و مدارا را در بین گروه‌های دانشجویی به وجود آورده است. این فضا شامل نگاه گروه‌های دانشجویی به مرزبندی‌های سیاسی بین درون دانشگاه و بین آنها و مرزهای بیرون جامعه تغییراتی را تجربه کرده است. انجام مطالعات بیشتر در این زمینه پیشنهاد می‌گردد.

محدودیت‌ها و پیشنهادها

- تحقیق حاضر کیفی است و قابلیت تعمیم ندارد، لذا کمی سازی مقولات احصاء شده در تحقیق حاضر و پایش آن در تحقیقات آتی پیشنهاد می‌گردد.
- با توجه به اینکه بخشی از نتایج تحقیق متوجه مدیران و مسئولین دولتی و سازمانی درگیر در بحران است، انجام مطالعات کیفی در بین مدیران و مسئولین دستگاه‌های اجرایی با موضوع تحقیق حاضر پیشنهاد می‌گردد.

تشکر و قدردانی

مقاله حاضر برگرفته از طرح مصوب و مورد حمایت پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در سال ۱۳۹۹ می‌باشد که بدین وسیله نویسندگان مراتب قدردانی را از مسئولین محترم پژوهشگاه دارند.

منابع

- اسکندریان، غلامرضا. (۱۳۹۹). «ارزیابی پیامدهای ویروس کرونا بر سبک زندگی (با تأکید بر الگوی مصرف فرهنگی)». فصلنامه علمی - تخصصی ارزیابی تأثیرات اجتماعی، شماره دوم: ویژه‌نامه پیامدهای شیوع ویروس کرونا.
- بالوئی جامخانه، عزت‌اله؛ باقرزاده، محمدرضا؛ طبری، مجتبی و روشن‌بخش، فاطمه. (۱۳۹۰)، «مطالعه میزان توانمندی سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO) فعال در حوزه بهزیستی استان مازندران»، فراسوی مدیریت، سال پنجم، شماره ۱۸: ۹۹-۱۲۳.
- پاتنام، رابرت دی. (۱۳۸۰)، دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه: محمدتقی دل‌فروز، تهران، سلام.
- جلیل پور، سالار؛ متفکر آزاد، محمدعلی؛ کریمی، زهرا و آقا نظری، حسن. (۱۳۹۷)، «بررسی اثرگذاری متغیرهای اقتصادی بر اتخاذ کمک‌های انسان دوستانه زمانی افراد»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، سال نوزدهم، شماره دوم: ۱۶۱-۱۹۰.
- داوری، کوروش؛ شجاعی مقدم، امیررضا؛ و رضوی مطلق، زهرا سادات. (۱۳۸۹). «بررسی رابطه بین روش‌های جلب مشارکت با انجام فعالیت‌های داوطلبانه در بین داوطلبان جمعیت هلال‌احمر استان کهگیلویه و بویر احمد در سال ۱۳۸۹»، فصلنامه علمی امداد و نجات، سال دوم، شماره چهارم: ۴-۵۱.
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ پورطاهری، مهدی؛ صادقلو، طاهره و سجاسی قیداری، حمدالله. (۱۳۸۹)، «تحلیل عوامل مؤثر در مدیریت مشارکتی سیل در مناطق روستایی (مطالعه موردی: روستاهای سیل‌زده حوضه گرگانرود استان گلستان)»، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، دوره ۱، شماره ۲: ۴۶-۵۱.
- سردار نیا، خلیل‌الله و یوسفی، بهمن. (۱۳۹۵)، «سنجش رابطه اعتماد و عضویت در انجمن‌های داوطلبانه با فرهنگ سیاسی دانشجویان: مطالعه موردی، دانشجویان دانشگاه شیراز»، دو فصلنامه علمی - پژوهشی دانش سیاسی، سال دوازدهم، شماره اول، پیاپی ۲۳: ۵-۲۶.
- غلامزاده، خلیل و شارع پور، محمود. (۱۳۸۸)، «رابطه عضویت در انجمن‌های داوطلبانه با میزان اعتماد اجتماعی در میان دانشجویان دانشگاه مازندران»، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۸: ۲۲۱-۲۴۳.

تجربه اقدامات یاریگرانه در کووید ۱۹...، کلاته ساداتی و همکاران | ۱۹۷

- فرهادی، مرتضی. (۱۳۸۸)، انسان‌شناسی یاریگری، تهران: نشر ثالث.
- قلی‌پور، آرزو. (۱۳۹۵)، «مدیریت بلایای طبیعی در جمهوری اسلامی ایران و همکاری‌های منطقه‌ای بین‌المللی»، فصلنامه سیاست، سال سوم، شماره ۱۰: ۶۹-۵۱.
- محمدی، امین؛ عسکرزاده، الهه؛ پوراحمدی، الهه؛ حسین‌الحسینی، نجمه و وفایی نجار، علی. (۱۳۹۸)، «بررسی عملکرد سازمان‌های مردم‌نهاد در حمایت مالی از هزینه‌های درمانی بیماران در دانشگاه علوم پزشکی مشهد»، مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، سال ۶۲، شماره ۱: ۱۳۵۴-۱۳۶۲.
- مطیعی لنگرودی، سید حسن؛ قدیری معصوم، مجتبی؛ اسکندری چوبقلو، حافظ؛ طورانی، علی و خسروی مهر، حمیده. (۱۳۹۱)، «بررسی نقش مدیریت مشارکتی در کاهش آثار سیل (مطالعه موردی: روستاهای حوضه رودخانه زنگمار ماکو)»، نشریه علمی- پژوهشی جغرافیا و برنامه‌ریزی، سال ۱۹، شماره ۵۱: ۳۱۱-۳۲۹.
- میرزایی، حسین؛ میرزایی، مجتبی و علیزاده، توحید. (۱۳۹۸)، «مطالعه عوامل تأثیرگذار بر تقویت مشارکت اجتماعی دانشجویان در انجمن‌های علمی دانشجویی (مورد مطالعه: انجمن‌های علمی دانشگاه فردوسی مشهد»، مجله جامعه‌شناسی ایران، سال نوزدهم، شماره دوم: ۱۵۴-۱۶۹.

- Bapuji, hari; Pater, Charimi; Ertug, Gokhan and Allen, David G. (2020). "Corona crisis and inequality: Why management research needs a societal turn". *Journal of Management*. 46 (7): 1205- 1222.
- Creswell, John W and Poth Cheryl N. (2017). *Qualitative Inquiry and Research Design*. Fourth Edi. Sage.
- De Moura, Eduardo Henrique; e Cruz, Tibério Bruno Rocha and Chirolí Daiane Maria De Genaro. (2020). "A framework proposal to integrate humanitarian logistics practices, disaster management and disaster mutual assistance: A Brazilian case." *Safety Science*. 132: 104965.
- Duque Franco, Isabel; Ortiz, Catalina; Samper, Jota and Millan, Gynna. (2020). "Mapping repertoires of collective action facing the COVID-19 pandemic in informal settlements in Latin American cities." *Environment and Urbanization*. 32(2): 523-546.

- Elkahlout, Ghassan and Elgibali Kareem. (2020) "From Theory to Practice: A Study of Remotely Managed Localised Humanitarian Action in Syria." *Journal of Peacebuilding & Development*.15(2): 235-249.
- Gibbons, Pat; Roughneen, Dualta; McDermott, Ronan and Maitra, Sulagna. (2020). "Putting affected people at the Centre of humanitarian action: an argument for the principle of humanitarian subsidiarity." *Disasters*. 44(3): 499-517.
- Hendriks, Tanja D; and Boersma, F. K. (2019). "Bringing the state back in to humanitarian crises response: Disaster governance and challenging collaborations in the 2015 Malawi flood response." *International Journal of Disaster Risk Reduction*. 40: 101262.
- Kalateh Sadati, Ahmad and Bagheri Lankarani, Kamran. (2021). "Sanctions, misinformation, and polinfodemic during COVID-19: The need for global collaborations." *Shiraz E-Medical Journal*. 22(5):1-2.
- Kalateh Sadati, Ahmad; Bagheri Lankarani, Mohamad Hossein and Bagheri Lankarani, Kamran. (2020) "Risk society, global vulnerability and fragile resilience; sociological view on the coronavirus outbreak." *Shiraz E-Medical Journal*. 21(4): 1-2.
- Kalateh Sadati, Ahmad; Zarei, Leila; Shahabi, Saeed; Heydari, Seyed Taghi; Taheri, Vajihe; Jiriaei, Razieh; Ebrahimzade, Najme and Bagheri Lankarani, Kamran. (2021). "Nursing experiences of COVID-19 outbreak in Iran: A qualitative study." *Nursing open*. 8(1): 72-79
- Macalister-Smith, Peter. (1986). "Humanitarian action by non-governmental organizations." IHD working paper; 1/86.
- Munster, Vincent J; Koopmans, Marion; Van Doremalen, Neeltje; Van Riel, Debby and De Wit, Emmie. (2020). "A novel coronavirus emerging in China—key questions for impact assessment." *New England Journal of Medicine*. 382(8): 692-694.
- Nazar, Zachariah, and Nazar, Hamde. (2020). "Exploring the experiences and preparedness of humanitarian pharmacists in responding to an emergency-response situation. Novick G. Is there a bias against telephone interviews in qualitative research?" *Research in nursing & health*.31(4):391-8.
- Rasheed, Huma, Hafiz Awais Nawaz, Alia Zafar Rao, and Syed Khalid Saeed Bukhari. (2019). "Role of Pharmacists in Responding to Humanitarian Crisis." *Encyclopedia of Pharmacy Practice and Clinical Pharmacy*, 317.
- Rodríguez-Espindola, Oscar; Albores, Pavel and Brewster, Christopher. (2018). "Disaster preparedness in humanitarian logistics: A collaborative approach for

- resource management in floods." *European Journal of Operational Research*. 264(3): 978-993.
- Srivastava, Aashish, and Thomson, S. Bruce. (2009). "Framework analysis: a qualitative methodology for applied policy research." *Research Note JOAAG*, Vol. 4. No. 2.
 - Zhan, Mingkun, Yaxun Qin, Xiang Xue, and Shuaijun Zhu. (2020). "Death from Covid-19 of 23 health care workers in China." *New England Journal of Medicine*, 382(23), 2267-2268.
 - Zhu, Na; Zhang, Dingyu; Wang, Wenling; Li, Xingwang; Yang, Bo; Song, Jingdong; Zhao, Xiang; Huang, Baoying; Shi, Weifeng; Lu, Roujian; Niu, Peihua and Zhan, Faxian. (2020). "A Novel Coronavirus from Patients with Pneumonia in China, 2019." *N Engl J Med*. 382: 727-33.